



Development of Anahita neighborhood: Displacement, exclusion and marginalization

Siavash Gholipour^{1✉} | Vakil Ahmadi² | Vajihe Soleimany³

1. Corresponding Author, 1 . Associated Professor of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran;

E-mail: sgholipoor@razi.ac.ir

2. Associated Professor of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran E-mail: v.ahmadi@razi.ac.ir

3. Master of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran; E-mail: vajihesoleimany@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-01-08

Received in revised form:
2024-11-28

Accepted: 2025-01-07

Published online:
2025 - 02 - 02

Keywords:

Kermanshah, marginalized,
neighborhood, redivide,
space

ABSTRACT

This article deals with the formation stages of Anahita neighborhood in Kermanshah metropolis. The theoretical approach of the article is based on Henri Lefebvre's views on the "production of space". The research method is ethnography and data collection techniques are observation and interview. The findings of the research show: As a result of the increase in the population of Kermanshah city in the 70's and 90's, the urban administration started to build settlements in the "Khorasu" plain. Anahita settlement was built by Akopal mass-building company for the army commanders in the northwestern tip of Kermanshah. With the start of the imposed war, the refugees of Qasre-Shirin city were resettled in this town. Over time, they turn to redistribution of residential units so that they can accommodate more people. Over time, people built empty lands around the town away from the supervision of the municipality. In 1994, the municipality took over the supervision of the neighborhood and prohibited the construction outside the limits and took over the naming of roads, branching of water, electricity and gas distribution. The ownership problem caused the municipality to not be able to supervise the construction of floors and did not have much activity in the field of green space, educational and health space. Finally, in such a situation, people built the low-income neighborhood of Anahita in its current form, which is considered a marginal settlement, in ways outside of urban planning standards.

Cite this article: Gholipour, S., Ahamadi, V., & Soleimany, V. (2024). Development of Anahita neighborhood: Displacement, exclusion and marginalization. *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1),77-96.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.



تکوین محله آناهیتا: آوارگی، طرد و حاشیه‌نشینی

سیاوش قلی‌پور^۱ | وکیل احمدی^۲ | وجیهه سلیمانی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: sgholipoor@razi.ac.ir

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: v.ahmadi@razi.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: vajiheseleimany@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

این مقاله به مراحل شکل‌گیری محله آناهیتا در کلان‌شهر کرمانشاه می‌پردازد. رویکرد نظری مقاله مبتنی بر آراء هانری لوفور درباره تولید فضا است. روش پژوهش، مردم‌نگاری و فنون گردآوری داده مشاهده و مصاحبه هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند: در نتیجه افزایش جمعیت شهر کرمانشاه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی مدیریت شهری در دشت «خوره‌سو» شروع به شهرک‌سازی کرد. شهرک آناهیتا توسط شرکت انبوه‌ساز آکوپال برای امرای ارتش در منتهی‌الیه شمال‌غربی کرمانشاه ساخته شد. با شروع جنگ تحمیلی، آوارگان شهرستان قصر شیرین در این شهرک اسکان داده شدند. آنان به مرور به بازتقسیم واحدهای مسکونی روی آوردند تا بتوانند جمعیت بیشتری را در آن جای دهند. علاوه بر این، زمین‌های خالی را به دور از نظارت شهرداری ساختند. سال ۱۳۷۳ شهرداری نظارت محله را بر عهده گرفت و اجازه ساخت و ساز خارج از محدوده را ممنوع کرد و نام‌گذاری معابر، انشعاب آب، برق و گاز را بر عهده گرفت. شهرداری به دلیل نداشتن سند مالکیت نتوانست بر ساخت طبقات نظارت کند و فعالیت چندانی در زمینه ساخت فضای سبز، فضای آموزشی و بهداشتی نداشت. سرانجام مردم در چنین وضعیتی به شیوه‌های خارج از استانداردهای شهرسازی محله کم‌برخودار آناهیتا را به شکل کنونی بنا نهادند که در زمره محله‌های حاشیه‌نشین است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

کلیدواژه‌ها:

بازتقسیم، حاشیه‌نشین، فضا، کرمانشاه، محله..

استناد: قلی‌پور، سیاوش، احمدی، وکیل، و سلیمانی، وجیهه. (۱۴۰۳). تکوین محله آناهیتا: آوارگی، طرد و حاشیه‌نشینی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۷۷-۹۶.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه و بیان مسئله

رشد شهرنشینی به سبب مهاجرت‌های روستایی و پیدایش محلات حاشیه‌نشین یکی از موضوعات مهم و چشمگیر درباره مسائل و مشکلات شهرهای ایران در سده گذشته بود و همچنان استمرار دارد. این مسئله در برخی شهرها مانند کرمانشاه، تهران، بندرعباس، اهواز و مشهد حادث‌تر بود. کرمانشاه در درون شبکه سکونت‌گاهی بزرگی قرار دارد که متأثر از جغرافیایی خاص این منطقه است. این شبکه از مرز عراق در غرب، پیشکوه لرستان در شرق، دشت‌های ایلام در جنوب، کوه‌های الوند در شمال شرقی و کردستان در شمال و شمال غربی را در برمی‌گیرد و شامل روستا، روستاشهر و شهرهای کوچک فراوانی است. بدین‌روی، پس از اصلاحات ارضی پذیرای جمعیت روستایی زیادی بود. جمعیت ۱۲۵ هزار نفری این شهر در سال ۱۳۳۵ به مرز یک میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسید. این حجم جمعیت سبب شد شهر در دشت «خوره‌سو» رشد کند و از سراب قنبر در جنوب تا تاقبستان در شمال و از کهریز در شرق و چمن‌زین‌العابدین در غرب را در برگیرد. این رشد بی‌رویه شامل شهرک‌ها و محلات حاشیه‌نشین گوناگونی است؛ در مورد اول از طریق مداخله مدیریت شهری و تفکیک زمین به وسیله تعاونی مسکن انجام گرفت؛ اما مورد دوم فرودستان شهری بودند که به شیوه‌های گوناگون همچون تصرف عدوانی، بازتقسیم زمین، تصرف خرنده و تفکیک مالکان ۳۴ محله حاشیه‌نشین را بنا نهادند (نک: تدبیر شهر ۱۳۸۲) که ۱۱ محله آن در وضعیت حادی قرار دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵).

آناهیتا پیش از انقلاب شهرکی برخوردار و دارای خانه‌هایی با متراژ بالا بود اما پس از انقلاب در نتیجه اسکان جنگ‌زدگان به محله‌ای حاشیه‌نشین تبدیل شد. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دولت با تکیه بر درآمدهای نفتی تصمیم گرفت در راستای توسعه شهرها و جلوگیری از سیل مهاجرت به سمت پایتخت، در اطراف شهرهای بزرگ شهرک‌سازی کند. ایده شهرک‌سازی برای تحقق آمایش سرزمین و کمک به حفظ جمعیت شهری و جلوگیری از رشد بی‌رویه جمعیت شهرهای مرکزی مانند تهران بود. هدف دیگر ساخت این شهرک‌ها جلوگیری از افزایش قیمت زمین و مسکن بود. در شهر کرمانشاه نیز دولت دست به ساخت شهرک‌های مختلف زد که مبتنی بر طرح جامع ۱۳۵۲ و در محدوده شهر بودند. از جمله این شهرک‌ها می‌توان به شهرک ۲۲ بهمن، شهرک آبادانی و مسکن و شهرک آناهیتا اشاره کرد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳). روند سکونت در شهرک آناهیتا و تبدیل آن به محله نابرخوردار موضوع این مقاله است. آنچه که در نگاه اول به چشم می‌خورد حضور فراگیر اهالی قصرشیرین در این محله است که در نتیجه جنگ تحمیلی آواره شدند و در این محله اسکان داده شدند. جنگ سبب نابودی زندگی و تخریب خانه و کاشانه‌ی افراد درگیر می‌شود. تنها گزینه پیش روی ساکنین، کوچ اجباری است. سال ۱۳۵۹ شهر قصرشیرین و روستاهای آن مورد هجوم ارتش عراق قرار گرفت، مردم به اجبار خانه و کاشانه‌ی خود را ترک کرده و به طرف مکان‌های امن حرکت کردند. شهر کرمانشاه نزدیک‌ترین محل امن برای این مهاجرین بود. اما همچنان روند اسکان و چگونگی آن، استمرار حاشیه‌نشینی و فرایند طرد در محله نامشخص است. این مقاله تلاش دارد تا با بررسی تاریخی تکوین به توصیف و تبیین مقولات یاد شده بپردازد.

پرسش‌های پژوهش

- نحوه شکل‌گیری محله آناهیتا چگونه بوده است؟
- چه سازوکاری در شکل‌گیری و تداوم وضعیت آن (کمبود امکانات رفاهی، طرد اجتماعی، عدم توسعه شهری) نقش داشته است؟

چارچوب نظری

رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر آراء هانری لوفور اندیشمند و نظریه‌پرداز فرانسوی است. از نظر وی «فضا یک تولید اجتماعی» است (لوفور، ۱۹۹۱). این ایده، فضا را از انحصار مختصات جغرافیایی و کیهانی خارج کرد. در واقع لوفور نشان داد که فضا، خنثی، تهی و منفعل نیست. فضا با سیاست، اقتصاد و مناسبات تولید رابطه دارد. «فضا با مؤلفه‌های تاریخی و طبیعی و به واسطه فرایندی سیاسی شکل می‌گیرد. فضا فرآورده‌ای اجتماعی و سیاسی است» (الدن، ۱۳۹۵: ۱۷۴). شیوه تولید نقش مؤثری در تولید فضا دارد. شیوه‌های تولید برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و تولید آسیایی هر کدام فضای خاص خود را تولید می‌کنند. فضای سکونت‌گاهی و روابط شهر و روستا و ریخت‌شناسی نزد هر کدام از شیوه‌های تولید متفاوت است. مناسبات تولید، روابط تولید، مازاد و تقسیم کار شهر و روستا اشکال گوناگونی از فضا و شبکه سکونت‌گاهی را خلق می‌کنند.

فضای شهری به وسیله نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ساخته می‌شود اما کاملاً تحت سلطه این نیروها نیست بلکه در بازتولید آن‌ها نقش دارد. نیروهای گوناگونی در تولید فضا نقش دارند. برخی در شکل‌گیری کالبد و رهوارها و برخی در نیز در خلق معانی، نشانه‌ها و سپهر معنایی موثرند.

فضا هم‌زمان محیطی فیزیکی است که می‌توان آن را درک کرد؛ انتزاعی نشانه‌شناسانه است که هم چگونگی استفاده مردم عادی را از فضا (نقشه‌ای ذهنی که جغرافی‌دانان مطالعه می‌کنند) تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم فضای شرکت‌ها، برنامه‌ریزان، سیاست‌مداران و مواردی از این دست را، و در نهایت واسطه‌ای است که بدن از طریق آن در برهم‌کنش با بدن‌های دیگر قرار می‌گیرد (گاندینر، ۱۳۹۴: ۱۲).

لوفور به سه لحظه مهم در تولید فضا اشاره می‌کند که «به طور هم‌زمان در فضا وجود دارند و نسبت به یکدیگر، حالت پیشینی نداشته و میان آن‌ها تعادل برقرار است» (فرامانی و صرافی، ۱۳۹۹: ۳). سه لحظه نسبت به همدیگر دارای اهمیت و موقعیت برابری هستند اما گاهی دقیقاً تاریخی و شرایط اجتماعی یکی از آن‌ها را برجسته‌تر از دیگران می‌کند. این سه لحظه عبارتند: بازنمایی فضا، فضای بازنمایی و عمل فضایی.

بازنمایی‌های فضا: بازنمایی‌های فضا، به فضای مفهوم‌سازی شده ارجاع می‌دهد. فضایی که توسط متخصصین و تکنوکرات‌های حوزه‌های گوناگون ساخته می‌شود. لیست این متخصصین می‌تواند شامل طراحان، مهندسان، بسازوبفروش‌ها، معمارها، متخصصان برنامه‌ریزی شهری، جغرافی‌دانان و دیگرانی با گرایش علمی یا بروکراتیک باشد. این فضا دربرگیرنده علائم و نشانه‌های محرمانه و زبان اصطلاحات فنی، برنامه‌های معین و الگوهای است که توسط نهادها و کارگزاری‌های یاد شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. بازنمایی بر جهان انتزاع دلالت دارد، بر آنچه که در سر آدم می‌گذرد و نه آنچه که در تن اوست. از نظر لوفور این فضا، فضایی تصور شده است، فضایی که معمولاً ایدئولوژی، قدرت و دانش در بازنمایی آن کمین کرده و پنهانی عمل می‌کند.

فضاهای بازنمایی: فضاهای بازنمایی، همان فضاهای زیسته بی‌واسطه و فضای تجربه روزمره هستند. فضاهای بازنمایی، به جای آن‌که جهان زبان اصطلاحات فنی باشد، جهان غیرتخصصی زبان عامیانه است. فضاهای بازنمایی هم‌چنین می‌توانند به همان اندازه نیز مرتبط با سویه‌های پنهانی و زیرین زندگی باشند و از قوانین سازگاری یا انسجام تبعیت نکرده و آن‌چنان نیز متضمن مسائل ذهنی نیستند. این فضاها بیشتر احساس می‌شوند تا اینکه موضوع تفکر باشند. فضای زیسته، گریزپا و بیان‌ناپذیر است، تا حدی که اندیشه و ادراک که در پی فهم عمیق آنند، نیاز دارند تا آن را مال خود کرده و بر آن تسلط یابند.

عمل فضایی: اعمال فضایی، کردارهایی‌اند که فضای اجتماع را «پنهان می‌سازد» و نشأت می‌دهد؛ این کردارها، فضایی اجتماعی را در یک تعامل دیالکتیکی طرح کرده و بروز می‌دهند. اعمال فضایی، می‌توانند از طریق «رمزگشایی» فضا آشکار شوند. اعمال فضایی هم‌چنین قرابت‌های آشکاری نیز با فضای ادراک شده و با تلقی‌های افراد از جهان، از جهان‌شان، به ویژه با پیش‌پافتادگی روزمره‌اش دارد. بنابراین اعمال فضایی، واقعیت زیسته‌ای را سامان می‌دهند که شامل امور روزمره و شبکه‌ها و الگوهای تعاملاتی‌ای است که مکان‌ها و انسان‌ها، تصاویر واقعیت، کار و فراغت را به هم متصل می‌سازند (مریفلد، ۱۴۰۰: ۱۷۷-۱۷۹).

این سه لحظه به شیوه‌های گوناگونی در تولید فضا نقش دارند و بر حسب جامعه و شیوه تولید و در دوره‌های تاریخی نقش‌آفرینی می‌کنند (ژلنیتس، ۱۳۹۵: ۲۹۶). فضای انتزاعی متعلق به مدیران و برنامه‌ریزان شهری، دولت‌ها و شرکت‌های اقتصادی است. فضای اجتماعی متفاوت از فضای انتزاعی است. فضای اجتماعی سرزنده و پویا است و در برابر اشکال برنامه‌ریزی شده دست‌بسته و منفعل نیست. معنا تولید می‌کند؛ مکان‌های مقدس/نامقدس، خوب/بد، سیاه/روشن، خوش‌نام/بدنام و در یک معنا پایگان‌بندی شده خلق می‌کند که از دسترس طراحان و برنامه‌ریزان خارج است. سپهر اجتماعی شهر را مملو از معانی ذهنی می‌کند که راهبر کنشگران است. «فضای انتزاعی محصول دانش و قدرت است. این فضا، سلسله مراتبی و خواهان کنترل است. استفاده‌کنندگان از مدل فضای انتزاعی سعی می‌کنند تا بر فضای اجتماعی زندگی روزمره با تغییرات همیشگی‌اش حاکم شوند، اما فضای اجتماعی همواره در تلاش است که از مرزهای تصور شده و شکل‌های تنظیم شده فراتر رود» (گاتدینر، ۱۳۹۵: ۱۶). فضا ابزاری سیاسی در دست دولت است و آن را به شیوه‌ای به کار می‌گیرد «که کنترلش بر مکان‌ها، سلسله مراتب غیرمنعطف، همگنی کل و بخش‌ها را تضمین کند. پس منظور از فضا، فضایی است که از لحاظ اداری کنترل شده و حتی تحت مراقبت پلیسی است» (ژلنیتس، ۱۳۹۵: ۳۰۶).

لوفور معتقد است که شکل‌های فضایی به گونه‌ای سیاسی آفریده می‌شوند و در راستای کارکردهای سیاسی عمل می‌کنند: فضا ابژه علمی نیست که عاری از ایدئولوژی یا سیاست باشد؛ فضا همیشه سیاسی و استراتژیک بوده است. فضا شکل گرفته و ساخته شده از مؤلفه‌های تاریخی و طبیعی است، اما چنین روندی خود فرایندی سیاسی بوده است. فضا سیاسی و ایدئولوژیک است. در نهایت، فرآورده/تولیدی است که به معنی واقعی کلمه آکنده از ایدئولوژی‌های متفاوت است (ژلنیتس، ۱۳۹۵: ۳۹۳). بر این اساس می‌توان توجه و بی‌توجهی حکومت‌ها به فضاهای خاص را معنادار تلقی کرد و از بررسی نوع مواجهه‌ی آن‌ها با فضا یا فضاهایی که تولید می‌کنند به معناهای سیاسی و هژمونیک فضا پی برد (کلانتری و کسمیایی، ۱۳۹۶: ۱۴).

روش تحقیق

روش پژوهش مردم‌نگاری و جامعه هدف محله آناهیتا در کلانشهر کرمانشاه است. این محله در منتهی‌الیه شمال غربی شهر کرمانشاه و در ضلع جنوبی کوه فرخ‌شاد واقع شده است. فنون گردآوری داده‌ها مشاهده مستقیم، مصاحبه و نقشه‌های شناختی هستند. مشاهده از مهم‌ترین ابزارهای به کاررفته در پژوهش‌های کیفی است. از طریق مشاهده می‌توان به فهم شیوه زندگی یک جامعه خاص و شرایط مکانی آن دست پیدا کرد. یکی از پژوهشگران از ساکنین محله آناهیتا و از مهاجران شهرستان قصرشیرین است که با شروع جنگ عراق علیه ایران در سال ۵۹ در این محله ساکن شده است.

مصاحبه دیگر فن گردآوری داده است. با ۲۲ نفر (۱۲ مرد و ۱۰ زن) از ساکنان آناهیتا مصاحبه شد. اغلب این افراد مدت زمان زیادی ساکن محله بودند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	پاسخگویان	سن	شغل	تحصیلات	ردیف	پاسخگویان	سن	شغل	تحصیلات
۱	مرد	۵۹	مغازه‌دار	دیپلم	۱۲	زن	۷۰	خانه‌دار	بی‌سواد
۲	زن	۷۲	خانه‌دار	ابتدایی	۱۳	مرد	۶۰	مغازه‌دار	سیکل
۳	زن	۶۱	خانه‌دار	دیپلم	۱۴	مرد	۶۸	دبیر بازنشسته	لیسانس
۴	مرد	۶۰	بنا	دیپلم	۱۵	مرد	۵۷	مغازه‌دار	دیپلم
۵	زن	۶۱	خانه‌دار	دیپلم	۱۶	زن	۲۷	تسهیلگر	فوق‌لیسانس
۶	مرد	۵۰	مغازه‌دار	دیپلم	۱۷	زن	۵۴	خانه‌دار	دیپلم
۷	مرد	۷۲	بازنشسته مخابرات	سیکل	۱۸	مرد	۵۵	مغازه‌دار	دیپلم
۸	مرد	۵۷	مغازه‌دار	سیکل	۱۹	زن	۳۳	خانه‌دار	سیکل
۹	زن	۷۰	بازنشسته	سیکل	۲۰	زن	۲۸	کارمند	لیسانس
۱۰	مرد	۶۳	مغازه‌دار	بی‌سواد	۲۱	مرد	۲۹	آزاد	لیسانس
۱۱	مرد	۶۲	آزاد	فوق‌دیپلم	۲۲	زن	۳۴	خانه‌دار	سیکل

مصاحبه‌ها با اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. علاوه بر مشاهده و مصاحبه از برخی ساکنان خواسته شد که نقشه شهر کرمانشاه را به تصویر بکشند. این نقشه‌ها نوعی فرایند ذهنی هستند که از طریق دریافت، قاعده‌مندی، ذخیره و بازنمایی مکان‌ها و پدیده‌ها صورت می‌گیرد.

در اتنوگرافی شیوه تحلیل داده‌ها شکل و یا مرحله واحدی ندارد و فرآیندی است که از بیان مسئله تا گزارش نویسی اتفاق می‌افتد (فترمن ۲۰۱۰؛ همرسلی و اتکینسون ۲۰۰۷؛ بوگدان و تایلور ۱۹۸۸). تحلیل این پژوهش به پیروی از مراحل سه گانه (تحلیل، تفسیر و گزارش نویسی) برپور (۲۰۰۵: ۱۰۹) انجام گرفته است: مرحله اول دارای ۶ بخش است. ۱. مدیریت داده‌ها: حجم عظیمی از داده‌ها در حوزه‌های مختلف بر اساس مصاحبه و مشاهده گردآوری شد که به بخش‌های بسیار جزئی تقسیم شدند. ۲. کدگذاری: برای هر کدام از این اطلاعات جزئی کدهایی تعیین شد تا بتوان آن‌ها را سازمان‌دهی کرد. ۳. تحلیل محتوی: تقسیم‌بندی جزئی‌تر در درون کدها انجام گرفت و آن‌ها به ریز اطلاعات جزئی تبدیل شدند. ۴. توصیف کیفی: کدهای به‌دست‌آمده به تفصیل توصیف شدند و تمام ویژگی‌های آن‌ها بر اساس بافت موقعیتی و انگیزه‌ها و معانی کنشگران مورد ارزیابی قرار گرفتند. ۵. استخراج الگوها: کدهای توصیف شده در ارتباط با یکدیگر و همچنین در ارتباط با موقعیت، فضا و تعاملات قرار گرفتند. ۶. طبقه‌بندی: داده‌ها به طور کلی در سه بخش شهرک‌سازی، شروع جنگ و اسکان موقت مهاجرین و دوره پس از جنگ و گسترش ساخت‌وساز بررسی و طبقه‌بندی شدند. چرا که این سه بخش یاد شده، با مفاهیم طرد، حاشیه‌نشینی و انگ‌خوردگی ارتباط روشنی دارند.

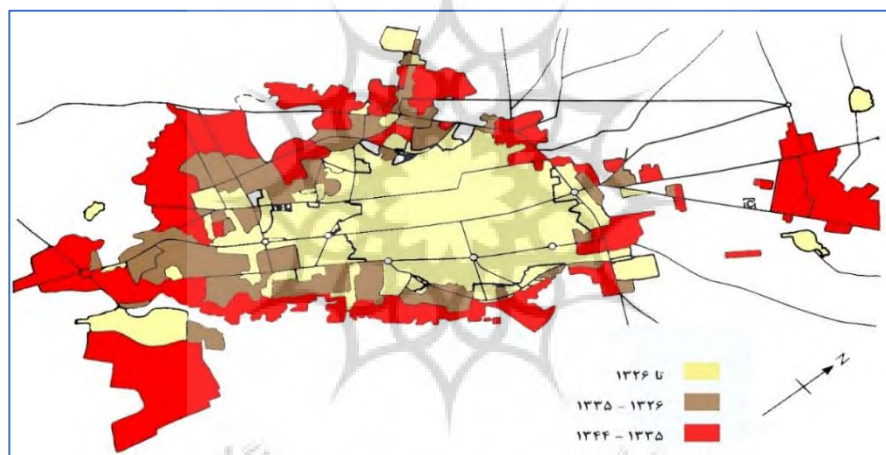
ب: مرحله دوم (تفسیر داده‌ها): تمام یافته‌های هر بخش در ارتباط با هم قرار گرفتند تا مراحل تکوین محله آناهیتا توضیح داده شود.

ج: مرحله سوم (گزارش نویسی): گزارش بر اساس طبقه‌بندی داده‌ها (دلایل شکل‌گیری و مراحل تکوین محله آناهیتا) تدوین شد.

یافته‌های پژوهش

بخش اول: شهرک آناهیتا قبل از انقلاب اسلامی ۵۷

شهر کرمانشاه در دوره قاجار حدود ۶۰ هزار نفر جمعیت داشت و از میدان آزادی کنونی تا چهارراه اجاق در جهت شمال به جنوب و از تپه فتحعلی خان کنونی در شرق تا چپاسرخ در غرب را در بر می‌گرفت (اباذری و قلی پور ۱۳۹۱). در دوره رضاخان بین ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر بر جمعیت شهر افزوده شد و شهر در قسمت جنوبی تا میدان مصدق کنونی رشد کرد. این رشد به همراه تغییرات در ساختار حکومتی منجر به تغییر در مورفولوژی شهر گردید که عبارت بودند از: احداث خیابان سپه، میدان گاراژ، فضاهای عمومی مانند، رستوران، سینما، مغازه‌های ویتترین‌دار و نهادهای اداری (قلی پور: ۱۳۹۶: ۶۸). درواقع افزایش جمعیت و توسعه شهری کرمانشاه تحت تأثیر برنامه‌ها و اقدامات دولت در جهت گسترش راه و جاده‌ها، صنعتی شدن، توسعه بروکراسی، اسکان عشایر و خدمات عمومی در شهر بود. به طور کلی تغییرات شهر تا دهه ۳۰ اندک بود.



نقشه ۱: کرمانشاه در سال ۱۳۴۴

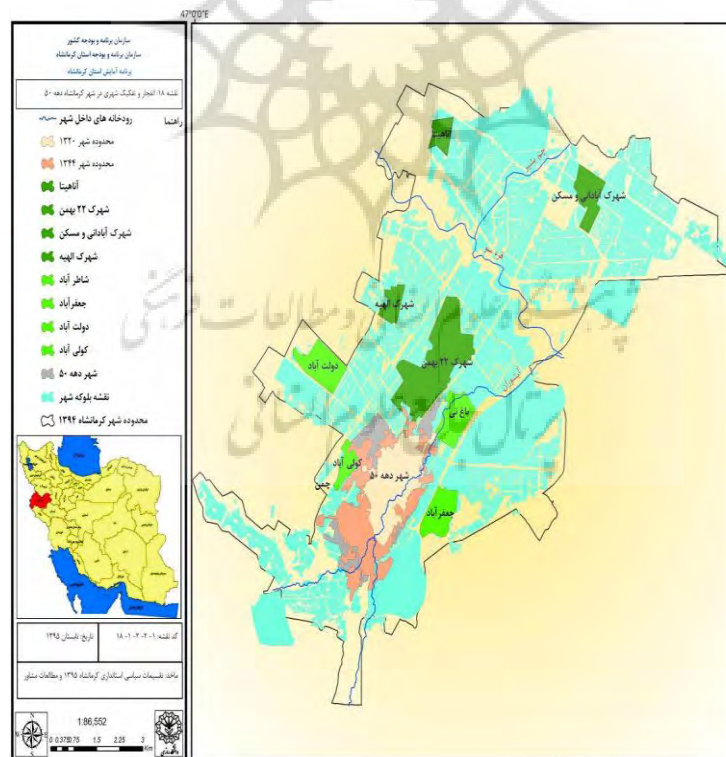
منبع: کلارک و کلارک، ۱۳۹۵

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ درآمدهای نفتی به رشد بیشتر شهرها کمک کرد. بر اساس داده‌های نقشه شماره ۱ رشد و توسعه کالبدی محدود به جنوب نبود و به‌جز جاهایی که گورستان قرار داشت، خانه‌سازی در تمامی جهات انجام گرفت. آنچه که از نقشه شماره ۱ مشخص است رشد شهر در اطراف بخش قاجاری و شروع دست‌اندازی به دشت کرمانشاه در ضلع شمالی است. کلارک و کلارک در فصل آخر «کرمانشاه شهری در ایران» پیش‌بینی می‌کنند که رشد هیولگونه شهر در دهه‌های بعد به احتمال زیاد دشت کرمانشاه را در برمی‌گیرد و پیش‌بینی آنان درست بود؛ چراکه ساخت شهرک‌های متعدد در همین دشت در دستور کار قرار گرفت. از دهه ۴۰ به بعد کرمانشاه با رشد روز افزون جمعیت مواجه شد و همین امر زمینه شکل‌گیری محله آناهیتا را فراهم ساخت. دلایل رشد نیز به دافعه روستانشینی و جاذبه شهرنشینی مربوط می‌شود که خود محصول اصلاحات ارضی و برنامه‌های توسعه بودند. اصلاحات ارضی برنامه کلانی بود که سعی داشت نظام ارباب‌رعیتی در ایران را تغییر دهد. این برنامه طی سه مرحله از سال ۱۳۴۱ شروع و تا سال ۱۳۵۱ ادامه یافت. همچنین دولت طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی خود را که عموماً شهری و صنعتی بودند پیگیری کرد. در سال

۱۳۴۶ دولت برنامه عمرانی خود را از محل درآمدهای نفتی اجرا کرد. در این برنامه ۶۵ میلیارد ریال برای کشاورزان سرمایه‌گذاری شد، اما این مقدار برای بهبود شیوه تولید و رونق کشاورزی کافی نبود و بیشتر در راستای پیشبرد اهداف برنامه اصلاحات ارضی پیش رفت (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱).

به این ترتیب تمام سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌ها در شهر انجام گرفت و توجه چندانی به روستاها نشد (قلی پور و زارع: ۱۳۹۲: ۲۴۳). اصلاحات ارضی و برنامه‌های توسعه که در قالب دافعه روستایی و جاذبه شهری بروز کرد، دلیل مهاجرت روستائیان به شهر کرمانشاه و افزایش جمعیت بود و ساختار جمعیتی شهر کرمانشاه را دگرگون ساخت. برای مثال از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، ۶۲۴۹۱ نفر به جمعیت کرمانشاه اضافه شد. این جابجایی جمعیت دارای تأثیرات فضایی مهمی بود که باعث تغییرات گسترده‌ای در ریخت‌شناسی شهر شد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). همچنین جمعیت ۱۸۷۹۳۰ نفری کرمانشاه در سال ۱۳۴۵ به ۲۹۰۶۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ رسید. یعنی ۱۰۲۶۷۰ نفر به جمعیت شهر اضافه شد. تقریباً هر سال ۱۰۰۰۰ نفر به جمعیت شهر کرمانشاه اضافه شده است. میزان رشد جمعیت برابر با ۴/۱ درصد بود (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱). بنابراین افزایش جمعیت شهر کرمانشاه در قالب دو پویای شهری شهرک‌سازی و محله‌های حاشیه‌ای خود را نشان داد.

شهرک‌سازی: ایده شهرک‌سازی بیشتر برای کمک به حفظ تعادل، رشد بی‌رویه جمعیت شهرها و جلوگیری از افزایش قیمت زمین بود. در کرمانشاه نیز دولت اقدام به ساخت چند شهرک کرد که ششم بهمن، الهیه، آبادانی و مسکن و آناهیتا نام داشتند.



نقشه ۲: موقعیت شهرک آناهیتا در کرمانشاه در دهه ۵۰ خورشیدی

منبع: آمایش سرزمین ۱۳۹۶

ساخت شهرک آناهیتا از سال ۱۳۵۵ در ضلع جنوبی دامنه کوه فرخ شاد شروع شد. مالک اصلی زمین‌های این شهرک شخصی به نام پالیزبان بود که با شراکت بانک مسکن و همکاری یک شرکت روسی به نام آکوپال شروع به ساخت صد دستگاه منزل مسکونی بزرگ و زیبا برای امرای ارتش کردند. این خانه‌های شمالی- جنوبی از مصالح با کیفیتی ساخته شدند؛ به‌طوری‌که با گذشت ۵ دهه هنوز محکم و مناسب برای زندگی هستند. برای هر واحد مسکونی یک مخزن فلزی مکعب مربع با گنجایش هزار لیتری به همراه شوفاژخانه تعبیه شد اما این مخازن فلزی تا چند سال بعد بدون استفاده در داخل شهرک قرار داشتند و مردم از آن‌ها به‌عنوان تانکر آب و نفت استفاده می‌کردند.

«در بدو ورود به شهرک نوجوانی ۱۷ ساله بودم و زمانی که خانه‌ها را دیدم بسیار خوشحال بودم. چراکه خانه‌ها خیلی بزرگ، شیک و همگی شبیه هم بودند. با کوچه‌های پهن، هر دو واحد به هم چسبیده بودند. اتاق‌ها کمد دیواری داشتند، سرویس بهداشتی و آشپزخانه تا سقف کاشی شده بودند که برایم جالب بود. حمام وان داشت که تابه‌حال ندیده بودم. سقف‌های شیروانی، هال خیلی بزرگ که ما ماشین را آنجا پارک می‌کردیم. هر چه بود خیلی قشنگ بودند و پیشرفته و تکمیل شده نسبت به جاهای دیگه‌ای که مردم رفته بودند. کفش‌کن‌های خوبی داشت که باران نمی‌گرفت. ویلایی بودند، هم شمالی و هم جنوبی با زیربنای زیاد» (کیومرث، ۵۹ ساله، ساکن محله).

شهرک نوساز آناهیتا تا زمان انقلاب اسلامی ۵۷ خالی از سکنه بود و بازنمایی فضا تنها بعد موثر در ساخت آن بود. شکل‌گیری آن نوعی سیاست از بالا بود که به وسیله طراحان، مهندسان، تکنوکرات‌ها و انبوه‌سازان شهری طرح‌ریزی شد. آنان این شهرک را در دورترین نقطه شمال غربی شهر بنا کردند و زمینه گسترش شهر و دست‌اندازی به دشت حاصلخیز «خوره‌سو» را پایه‌گذاری کردند. هر چند که افزایش جمعیت در دهه ۱۳۴۰ نیازمند مسکن بود اما ساختن شهرک در فاصله چند کیلومتری شهر اصلی، زمینه‌ساز چندپارگی در شهر شد که امروزه نیز یکی مشکلات جدی شهر است (نک: قلی‌پور، ۱۳۹۷). بر اساس نقشه شماره ۲ شهرک آبادانی و مسکن و الهیه نیز چنین بودند اما شهرک ششم بهمن با بدنه شهر کهن فاصله اندکی داشت و کمتر در پراکندگی نقش داشت.

بخش دوم: جنگ تحمیلی و اسکان موقت مهاجرین

جنگ عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رسماً شروع شد و شهرستان قصرشیرین اولین شهری بود که مورد این هجوم قرار گرفت و در سوم مهرماه ۱۳۵۹ اشغال شد. حملات ارتش عراق از محورهای خسروی، نفت شهر، دشت ذهاب، قوره‌تو آغاز شد. شهرستان قصرشیرین یکی از شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه است که در ۱۶۶ کیلومتری غرب شهر کرمانشاه واقع شده است. قصرشیرین دارای ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک با عراق است و در جنگ تحمیلی بیشترین خسارت را متحمل شد. «شهرهای قصرشیرین، نفت شهر، سومار، خسروی، همراه با کلیه تأسیسات شهری و روستای تابعه به‌طور کامل تخریب گردید» (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در فاصله حملات اولیه ارتش عراق تا سقوط کامل شهر، مردم شهرها و روستاهای اطراف آواره شدند و غالباً به سمت کرمانشاه آمدند. تعداد زیادی از آوارگان قصرشیرین در محله خالی از سکنه آناهیتا اسکان داده شدند. برخی دیگر به آبادانی و مسکن، بیستون، سراب نیلوفر و هلته در نزدیکی کرند غرب رفتند و بقیه نیز در چندین هتل در سطح شهر کرمانشاه اسکان یافتند.

روزهای اول تعداد خانوارهای آواره در آناهیتا کمتر از تعداد ساختمان‌ها بود و تعداد اندکی از منازل این شهرک همچنان خالی از سکنه بودند زیرا مردم تصور می‌کردند که جنگ موقتی است و مدت زمان زیادی در این وضعیت باقی نخواهند ماند. برخلاف تصور رایج، جنگ هشت سال طول کشید و خانوارهای بیشتری به سمت شهرک آناهیتا آمدند و اسکان آنان دشوار شد. آوارگان لوازم منزل

کافی نداشتند. آنان به دلیل کمبود وسایل گرمایشی و سرمایشی از یک اتاق استفاده می‌کردند. بنابراین، خانواده‌هایی که نسبت فامیلی داشتند با اراده و رضایت خویش در یک ساختمان به طور اشتراکی زندگی کردند. یکی از مصاحبه شونده‌گان می‌گوید.

«اول که آمدیم شهرک، بخاری و وسایل گرمایی نداشتیم و از پرچین زمین‌های کشاورزی اطراف شهرک و محله سرخه‌لیژه برای سوخت استفاده می‌کردیم. غروب‌ها که هوا تاریک می‌شد از چوب پرچین آتش روشن می‌کردیم که گرم بشیم و بعد که به‌صورت زغال در می‌آمد می‌بردیم داخل خانه برای استفاده از گرمایش و پخت‌وپز. البته برای مدت کوتاهی وضع این‌جوری بود بعد که برق کشیدیم از بخاری برقی استفاده کردیم» (فرهاد، ۶۰ ساله، بنا).

برخی خانواده‌ها نیز علاقه‌ای به زندگی اشتراکی نداشتند و هر واحد مسکونی را بین چند نفر تقسیم کردند. این امر سبب شد که نظم منازل مسکونی شهرک از بین برود و زمینه‌های بی‌نظمی و خانه‌های دانه‌ریز شکل گیرد. افراد مجبور به ساخت سرویس بهداشتی و آشپزخانه مستقل شدند و بنیاد امور جنگ‌زدگان در بازتقسیم منازل مسکونی به مردم کمک کرد. این روند به‌مرور سبب شد شبکه‌ای نامنظم از خانه‌های کوچک با سقف‌های چوبی، غیراستاندارد و کوچه‌ها و خیابان‌های باریک و نامنظم ایجاد شود. درنهایت بعد از گذشت چند سال، شهرک آن‌ها را از شکل منظم و استاندارد خود خارج شد و دیگر شباهتی به یک شهرک اعیان‌نشین با خانه‌های ویلایی با متراژ بالا نداشت.

در بدو ورود مردم جنگ‌زده، مدرسه، حمام یا مرکز بهداشت در شهرک وجود نداشت. کلاس‌های درس کودکان زیر چادر برگزار می‌شد و کوچه‌ها آسفالت نداشتند. باوجود این که شهرک مجهز به سیستم آب و برق بود، اما در داخل منازل آب و برق نبود. در هر کوچه تعدادی شیر آب تعبیه کردند تا ساکنین برای تأمین آب آشامیدنی و شستشو از آن‌ها استفاده کنند. سیستم دفع فاضلاب شهری وجود نداشت و برای این منظور چاه حفر کردند. تیرهای برق فلزی که در کوچه‌ها نصب شده بودند، روشنایی کوچه‌ها و خیابان‌ها را تأمین می‌کردند. کم‌کم با کشیدن سیم برق از این تیرها به داخل منازل، روشنایی منازل مسکونی تأمین شد.

در سال‌های اولیه خانواده‌ها برای گرم کردن منزل، پخت‌وپز و استحمام از لوازم برقی استفاده می‌کردند. این امر باعث گرم شدن ترانس‌های برق شد و خاموشی‌های چند روزه را به دنبال داشت. با کمک بنیاد امور جنگ‌زدگان، واحد عمران و اسکان، یک مدرسه، حمام عمومی، نانوا، حسینیه، مرکز بهداشت و پس از آن مهدکودکی در شهرک ساخته شدند. بدین ترتیب، آوارگان به‌آرامی با شرایط زندگی در شهرک آن‌ها عادت کردند.

«سال ۱۳۵۹ که به شهرک آمدیم، ابتدا زیر چادر درس می‌خواندیم. سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۲، بنیاد دو مدرسه دخترانه و پسرانه و یک باب حمام را ساخت. یکی از مدرسه‌ها را بعداً تخریب کردند و یک مدرسه جدید ساختند. همین‌طور مهدکودک و حسینیه که چند سال بعد از پایان جنگ، حمام و مهدکودک و حسینیه را تخریب کردند و جای آن خانه ساختند. از مهدکودک برای نهضت سوادآموزی هم استفاده می‌شد» (حسن، ۵۰ ساله، مغازه‌دار).

اهالی شهرک کم‌کم متوجه شدند که جنگ به این زودی‌ها به پایان نمی‌رسد. بنابراین، به فکر کسب درآمد و یافتن شغل افتادند. برخی از آنان مغازه‌های کوچکی در شهرک مانند قصابی، میوه‌فروشی، آرایشگاه و خواروبار فروشی دایر کردند. بنیاد با هزینه‌های دولتی برای مردم کم‌بضاعت خانه‌های کوچک با سقف‌های چوبی درست کرد. رشد و توسعه شهرک در طول جنگ تحمیلی توسط مردم و در وضعیت اضطرار و آوارگی شکل گرفت. طراحان و شهرسازان نقشی در تحولات و رشد آن نداشتند. تنها مداخله دولت از طریق بنیاد جنگ‌زدگان بود که آن هم نقش تسهیلگر را داشت و سامان دادن به زندگی مهاجرین، جداسازی و تقسیم خانه‌های شهرک را بر عهده گرفت. فضاهای خالی پیرامون واحدهای مسکونی برای افزایش متراژ خانه‌های تقسیم‌شده استفاده شد. کسانی که پیش از آوارگی همسایه بوده یا نسبت خویشاوندی داشتند، این تقسیم‌بندی‌ها را با رضایت انجام دادند.

در میانه جنگ تحمیلی تعداد زیادی از آوارگانی که در سطح شهر کرمانشاه زندگی می‌کردند برای در امان ماندن از بمباران به شهرک آناهیتا آمدند. با افزایش تراکم جمعیت غالب زمین‌های خالی کاربری مسکونی پیدا کردند. بنیاد مخالفتی با این تغییر کاربری نداشت و در غالب اوقات به آنان کمک می‌کرد. پیش از اتمام جنگ، برخی از خانواده‌های مهاجر که در محلات سطح شهر کرمانشاه مستأجر بودند و توان پرداخت اجاره‌بها را نداشتند، به‌مرور و با کمک ساکنین، در زمین‌های خالی داخل شهرک، شروع به ساخت‌وساز کردند. برخی ساکنین نیز از همین زمین‌ها برای فرزندانشان خانه ساختند. این شیوه از تصرف زمین بیشتر در فاصله‌ی بین خانه‌های مسکونی یا زمین‌های خالی به‌صورت نامحسوس و خزنده اتفاق افتاد. متصرفان زمین با کمک و همیاری خویشاوندان شباهنگام خانه خود را می‌ساختند و با سرعت سقف خانه را با تیر و چوب تکمیل می‌کردند. داشتن سقف به‌زعم ساکنان به این معنا بود که دیگر بنیاد نمی‌تواند خانه را تخریب کند و البته در مواردی هم که بنیاد اطلاع پیدا می‌کرد، حساسیت به خرج نمی‌داد.

سرانجام شهرک زیبا و ویلایی آناهیتا در دامنه کوه فرخ‌شاد که قرار بود مکانی لوکس و اعیانی برای امرای ارتش باشد، مأوای جنگ‌زدگان قصرشیرین شد و به نمادی برای شهر قصرشیرین و ساکنان آن بدل گشت. شهر تاریخی قصرشیرین با نخلستان‌های خرما، باغ‌های مرکبات، کشاورزی در کنار رودخانه الوند، بازار چینی‌فروشان، چهارقاپی و عمارت خسرو، در یک جغرافیای تخیلی در محله آناهیتا جای گرفت. فضای زیسته بیشترین نقش را در تکوین محله در این مقطع زمانی (در طول جنگ تحمیلی) داشت. مردم بر اساس اضطرار و پاسداشت کیان خانواده تلاش کردند که سرپناهی برای خویش فراهم سازند. مدیریت شهری نیز مداخله‌ای دال بر نظارت و ممنوعیت ساخت و ساز اعمال نکرد. مردم از طریق همیاری، بازتقسیم زمین، تصرف خزنده محله‌ای را برای خویش بنا نهادند که از کمترین امکانات برخوردار بود.

بخش سوم: تبدیل شدن شهرک آناهیتا به یک محله حاشیه‌نشین

در مرحله سوم از تکوین محله آناهیتا می‌توان به سه مرحله به طور جداگانه اشاره کرد: ۱. واگذاری شهرک به شهرداری و نظارت مدیران شهری و شهرسازان بر ادامه روند ساخت‌وسازها؛ ۲. تاکتیک‌هایی که مردم به روال گذشته به کار می‌بردند تا از سطح ممنوعیت‌ها و نظارت‌های شهرداری کاسته شود؛ ۳. نوع تعاملات و اعمال مردم با باقی شهر و درون شهرک که در بازتولید شکل فعلی آن نقش داشت.

واگذاری شهرک به شهرداری: هشت سال جنگ با پذیرش قطعنامه صلح در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید. بافت جمعیتی شهرک هنوز یکدست بود و جابجایی جمعیتی به چشم نمی‌خورد. اکثریت ساکنین مهاجران قصرشیرینی بودند و این وضعیت تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. بنیاد امور مهاجرین هم تا چند سال پس از پایان جنگ یعنی تا سال ۱۳۷۳ به کار خود ادامه داد. در این فاصله‌ی زمانی (۱۳۶۷-۱۳۷۳) بنیاد کارهای عمرانی دیگری را در سطح شهرک انجام داد: ساخت یک مرکز بهداشت جدید و واگذاری ساختمان مرکز بهداشت قدیمی به خانواده یک اسیر جنگی. تعطیلی حسینیه و مهدکودک و اهداء ساختمان آن به خانواده یکی از شهدای دفاع مقدس. همچنین بنیاد، مغازه‌هایی را که به طور پراکنده و نامنظم ساخته شده بودند تخریب کرد و مغازه‌های جدیدی را در حاشیه خیابان اصلی شهرک (شهید خسروی) بنا کرد.

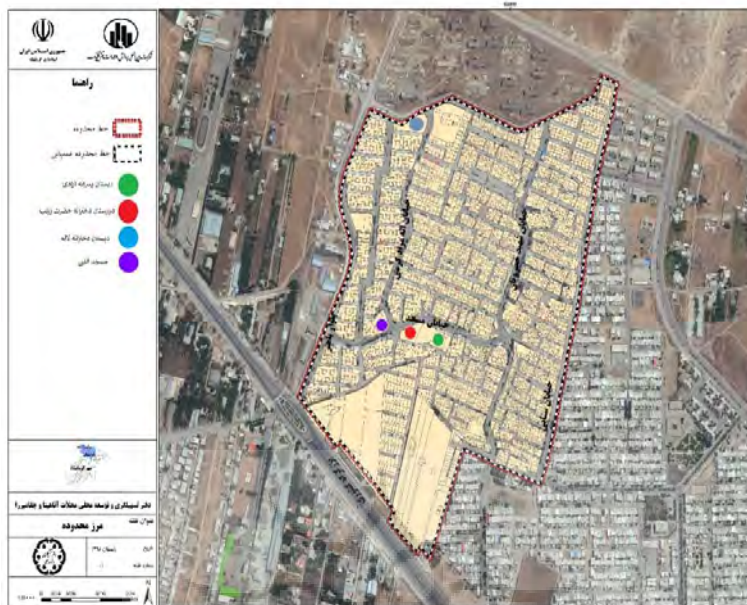
وقتی بنیاد تصمیم گرفت سروسامانی به وضعیت مغازه‌های شهرک بدهد، مغازه‌های ما رو تخریب کرد و در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ مغازه‌های جدید را که ساخته بود در ازای دریافت ۱۱۰ هزار تومان به ما تحویل داد. تقریباً صد واحد مغازه توی خیابان اصلی

شهرک بود. به جز کسانی که اول مغازه داشتند، کسانی هم که توی بنیاد آشنا داشتند، از این مغازه‌ها تحویل گرفتند. مغازه‌های تحویلی در حد سفیدکاری شده بود و درهای معمولی داشت. مردم رفته‌رفته خودشان تغییراتی توی مغازه ایجاد کردند» (حسین، ۵۷ ساله، مغازه‌دار). ادامه‌ی تکمیل پروژه ساخت فازهای مسکونی ۱ و ۲ و تحویل آن‌ها در سال ۱۳۶۷ به خانواده‌های واجد شرایط از دیگر اقدامات بنیاد بود. اقدامات بنیاد در این پروژه بسیار دقیق بود و نظارت کامل بر تمام مراحل ساخت آن صورت گرفت. در دو فاز اخیر خانه‌های هم‌ردیف در کوچه‌های منظم ساخته شد و پیشروی در حریم کوچه و خیابان برای تمام خانه‌ها ممنوع شد. با پایان کار بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی در سال ۱۳۷۳، شهرک آناهیتا به شهرداری کرمانشاه واگذار شد. از همان ابتدای واگذاری، شهرداری برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه آب و برق، منازل شهرک را موظف به دریافت کنتور آب و برق و پرداخت قبوض کرد؛ چراکه مردم تا پایان کار بنیاد امور مهاجرین، هیچ هزینه‌ای برای آب و برق پرداخت نمی‌کردند.

در اواسط دهه ۷۰، شرکت مخابرات تجهیز منازل شهرک به خطوط تلفن را آغاز کرد. همچنین خطوط اتوبوس‌رانی و جمع‌آوری زباله از طرف شهرداری شروع به کار کردند. آسفالت کردن کوچه‌ها و گازکشی منازل نیز در دهه هشتاد انجام شد. شرکت گاز به دلیل سقف چوبی منازل، با کشیدن خطوط گاز به این خانه‌ها مخالفت می‌کرد. یک دبیرستان دخترانه نیز در داخل شهرک ساخته شد. این دبیرستان در محل دبستان قدیمی که در دهه ۱۳۶۰ بنیاد ساخته بود، احداث شد که در ایستگاه ۲ شهرک آناهیتا قرار دارد. نام‌گذاری کوچه‌ها، خیابان‌ها و پلاک‌گذاری خانه‌ها نیز از دیگر اقدامات شهرداری در دهه ۱۳۹۰ بود.

هم‌زمان با این تغییرات، شهرک معلم و مجتمع مسکونی میلاد در مجاورت شهرک آناهیتا ساخته شدند. شهرک معلم با نظارت شهرداری ساخته شد و از همان ابتدا سرانه‌های تجاری، اداری، آموزشی و بهداشتی، درمانی، فضاهای عمومی و فضای سبز برای آن در نظر گرفته شد. سیستم حمل‌ونقل دسترسی به مرکز شهر برای ساکنین شهرک معلم را ممکن ساخته بود. در مقابل، شهرک آناهیتا که دور از نظارت شهرداری و به شیوه‌ای خودرو ساخته شده است، سرانه آموزشی، تفریحی، سبز و بهداشتی اندکی دارد. برای مثال تعداد فضاهای آموزشی در این محله بدین قرار است: یک دبستان دخترانه، یک دبستان پسرانه، یک مدرسه راهنمایی دخترانه و یک دبیرستان دخترانه در مقطع اول و دوم متوسطه. این دبیرستان دخترانه در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد.

محله از لحاظ سرانه مراکز درمانی و پزشکی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. یک مرکز درمانی (پایگاه سلامت) دارد که قدمت آن به دهه ۶۰ می‌رسد. این درمانگاه پزشک عمومی ندارد و تنها مطب پزشکی شهرک نیز با همه‌گیری کرونا تعطیل شد. در سال ۱۳۹۹ یک داروخانه (دکتر مرادی) در شهرک شروع به کار کرده اما از نظر ارائه خدمات هنوز نتوانسته اهالی شهرک را پوشش دهد و اکثر اوقات تعطیل است. فضای تفریحی یا فضای سبزی در شهرک وجود ندارد. از نظر مکان‌های ورزشی نیز یک سالن ورزشی در شهرک وجود دارد که متعلق به بسیج مسجد محله است و امکانات محدودی دارد.



نقشه ۳: توزیع فضاهای گوناگون در محله آناهیتا

منبع: دفتر تسهیلگری شهرک آناهیتا، ۱۳۹۸

در مورد وضعیت معابر و خیابان‌ها همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، کوچه‌های محله از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. اکثر کوچه‌ها به دلیل پیشروی منازل تنگ و باریک هستند. بنابراین توازنی در اندازه کوچه‌ها وجود ندارد. امکانات حمل‌ونقل عمومی شهرک نیز مناسب و کافی نیست. قبل از همه‌گیری کرونا تعداد واحدهای اتوبوس‌رانی کم بود و بعد از همه‌گیری تعطیل شد. چندین سال پس از جنگ مدیریت شهری برای نظارت بر رشد شهر حضور پیدا کرد اما فعالیت چندانی صورت نداد و نقش آن در سالیان اخیر در قالب ممنوعیت ساخت‌وسازهای بی‌رویه و حفظ محدوده شهری بوده است.

پویایی زندگی روزمره و تداوم حاشیه‌نشینی: با وجود نظارت شهرداری بر ممنوعیت ساخت‌وسازها و جلوگیری از گسترش شهرک آناهیتا، فعالیت‌های مردم همچنان در درون این فضای بسته ادامه پیدا کرد. به‌عنوان مثال پیشروی در کوچه‌ها، ساخت طبقه دوم بدون اجازه شهرداری، تخریب خانه‌های قدیمی و ساخت ساختمان‌های جدید، استفاده از تیرآهن برای سقف منازل به‌جای تیر و چوب، نمای سنگ و سرامیک و ظهور محله‌ی «خسروآباد». مردم برای ساخت طبقه دوم منازل خود، نیازی به مجوز از طرف شهرداری نداشتند؛ چراکه به دلیل مشکلات مالکیتی و نداشتن سند، شهرداری در این‌گونه موارد دخالت و نظارتی نداشت. شیوه ساخت طبقه دوم به این ترتیب بود که برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، مردم از روش سبک‌سازی (آردواز) استفاده می‌کردند. سقف این منازل شیروانی است و از پشت‌بام آن‌ها نمی‌توان استفاده کرد. افزایش تراکم خانه‌ها به صورت عمودی، باعث رشد اجاره‌نشینی و ورود افراد از محلات دیگر شهر به شهرک آناهیتا شد. این افراد عموماً به دلیل عدم توانایی مالی برای پرداخت اجاره‌های سنگین به سمت شهرک آناهیتا آمدند. در بعضی موارد نیز خانه‌های خودساخته یا سازمانی که متراژ بالایی دارند، از داخل منزل و همچنین حیاط به دو قسمت تقسیم‌شده و واحد جداگانه‌ای در بخشی از خانه ساخته شده است که برای کسب درآمد بیشتر، اجاره داده می‌شود. این موضوع باعث ایجاد خانه‌های کوچک و حتی پیشروی در حریم کوچه‌ها و ایجاد کوچه‌های بن‌بست نیز شده

است. شهرداری نیز با این استدلال که این تغییرات در داخل خانه‌ها انجام شده و خود این منازل هنوز ابهام مالکیتی دارند، دخالتی در این حوزه نمی‌کند.

پیشروی ساکنین در ساخت‌وسازها در سمت جنوبی شهرک به نزدیکی شرکت داروپخش و حریم جاده‌ی سنجید رسیده است. در سمت شرقی نیز تنها یک خیابان مرزی بین شهرک معلم و شهرک آناهیتا وجود دارد. از سمت شمال، این شهرک به بلوار پرستار و از سمت غرب و شمال غربی نیز به محله خسروآباد متصل شده است. یکی از روش‌هایی که مردم در این ساخت‌وسازها برای ممانعت از تخریب خانه‌ها توسط شهرداری استفاده می‌کردند، استفاده از افراد بانفوذ و سودجویی بود که با مأموران شهرداری در ارتباط بودند. مردم با واسطه‌گری این افراد و پرداخت مبالغی، در طول ساخت‌وساز غیرقانونی، از نظارت مأموران شهرداری در امان می‌ماندند. بدین ترتیب، نظارت در ساخت و ساز همچنان دارای مشکلات زیادی است و مردم همچنان برای فرار از کنترل شهرداری از تکنیک‌های خاصی استفاده می‌کنند. با گذشت زمان و جابجایی‌های جمعیتی دو دهه اخیر، نام قصرشیرین در شهرک آناهیتا کمرنگ شد و شهرک حاشیه‌نشین آناهیتا جای آن را گرفت که همراه با معانی منفی گوناگونی بود. دلایل زیادی برای این امر وجود دارد که عبارتند از:

تعطیلی بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی: با پایان کار بنیاد، کمک‌های نقدی و غیر نقدی که به مهاجرین داده می‌شد، قطع شد. این موضوع مهاجران را فقیرتر ساخت. همچنین تعطیلی بنیاد، باعث بیکار شدن بسیاری از کارکنانی شد که برخی از آن‌ها ساکنین شهرک بودند. بنابراین تعدادی از ساکنین ناگزیر، به بعضی از فعالیت‌های غیرقانونی و مشاغل کاذب روی آوردند.

۱. منحل شدن پایگاه انتظامات: پیش از پایان جنگ، امنیت تمامی شهرک‌های مهاجرنشین تحت نظارت انتظامات بنیاد امور مهاجرین بود. در هر شهرک یک پایگاه با ۵ یا ۶ نفر نیرو دایر شده بود که همگی آن‌ها قبلاً آموزش نظامی دیده بودند و نسبت به امنیت این محلات و ساکنین احساس مسئولیت و تعلق خاطر داشتند. حضور مداوم این افراد یکی از دلایل امنیت اجتماعی در سطح این محلات بود و بندرت جرائمی نظیر سرقت روی می‌داد. بعد از تعطیلی این پایگاه، شهرک آناهیتا از لحاظ تأمین امنیت، تحت پوشش کلانتری شهرک تعاون قرار گرفت. با توجه به بُعد مسافتی که بین این دو شهرک وجود دارد، نیروهای پلیس در محل (شهرک آناهیتا) مستقر نیستند و گشت زنی آنان در محله چندان محسوس نیست. در نتیجه نظارت ناکافی، اعتیاد، خریدوفروش مواد مخدر و جرائمی مانند سرقت در محله فزونی یافته است. بیشتر سرقت‌ها از منازل، ماشین‌های پارک شده در کوچه‌ها، کابل‌های برق و کابل‌های تلفن صورت می‌گیرد. بسیاری از مأموران انتظامی نیز نظر مثبتی نسبت به این شهرک ندارند. یکی از کارکنان دفتر تسهیلگری آناهیتا می‌گوید: «وقتی تو جلسات شرکت ناجا می‌گردیم، سمن‌ها و نیروی پلیس تلقی خوبی از محله نداشتند و کلیشه‌های برساخته را بازتولید می‌کردند» (خانم، ۲۷ ساله).

۲. واگذاری مدارس شهرک‌های مهاجرنشین به آموزش و پرورش: با انتقال اداره آموزش و پرورش شهرستان قصرشیرین و دبیرستان‌های تحت پوشش این اداره به شهرستان قصرشیرین، مدرسی که در سطح شهرک‌ها فعال بودند، به آموزش و پرورش کرمانشاه واگذار شدند. اغلب نیز معلمان کم‌تجربه را برای تدریس در این محلات انتخاب می‌کردند. به دلیل فاصله‌ی زیاد از سطح شهر و مشکلات رفت‌وآمد و همچنین سطح پایین امکانات آموزشی، بیشتر معلمان از حضور در این مدارس ناراضی بودند. معلمان تازه‌وارد نیز احتمالاً به دلیل پیش‌فرض‌ها و قضاوت‌هایی که در مورد این شهرک و ساکنانش وجود داشت، نظر مثبتی نسبت به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان نداشتند. خانواده‌ها نیز به نوبه خود از نحوه تدریس معلمان و رفتار آن‌ها با دانش‌آموزان راضی نبودند. خانواده‌ها به این باور رسیده‌اند که مدارس شهرک محل مناسبی برای تحصیل فرزندان‌شان نیست. آنان غالباً فرزندان‌شان را در شهرک معلم ثبت‌نام می‌کنند. معانی منفی درباره مدارس آناهیتا چنان فراگیر شد که سبب تعطیلی مدرسه راهنمایی پسرانه توحید شد. «زمانی

که پسر م قرار بود در مقطع دبستان ثبت‌نام شود، بسیاری از افراد دور و نزدیک پیشنهاد کردند که در دبستان پسرانه شهرک معلم او را ثبت‌نام کنم. چراکه معلم‌ها و دانش آموزان داخل شهرک رفتار مناسبی نداشتند. من هم همین کار را کردم. اما چون بچه‌های زیادی را برای ثبت‌نام می‌آوردند، مدیر مدرسه سخت می‌گرفت و تقاضای فیش آب و برق یا قولنامه خانه می‌کرد که ثابت کنیم ساکن شهرک معلم هستیم» (خانم، ۵۴ ساله، خانه‌دار). پس از مدتی دبیرستان‌های هجرت و قدس نیز تعطیل شدند و دانش آموزان برای ادامه تحصیل در مدارس سطح شهر کرمانشاه ثبت‌نام کردند.

۳. نحوه نظارت شهرداری: شهرداری یکی از عوامل تولید معانی منفی در این شهرک بوده است. نظارت کافی نداشتن بر نحوه ساخت‌وسازها، مانع نشدن از تصرف زمین‌های خالی و کوچه‌ها، بی‌توجهی به کمبود فضاهای عمومی، آموزشی، تفریحی و کمبود وسایل نقلیه عمومی و سیستم ناکارآمد دفع زباله، همگی دست به دست هم دادند که شهرک آناهیتا را بیش‌ازپیش به سمت محرومیت سوق بدهند تا زمینه‌ساز شکل‌گیری معانی منفی باشد. نتیجه این رهاشدگی از طرف شهرداری و دیگر نهادهای دولتی، تراکم بالای ساخت‌وسازهای خارج از قاعده و قانون شهرسازی، بافت نامنظم خانه‌ها و کوچه‌های باریک و تنگ است که ظاهری متفاوت با شهرک‌های دیگر به‌خصوص شهرک‌های هم‌جوار خود دارد. در فرآیند انگ خوردگی به شهرک آناهیتا، موقعیت پایین‌تر این شهرک نسبت به شهرک معلم و همچنین قضاوت‌های سایر شهروندان نیز تأثیر بسزایی داشته است. آناهیتا در مقایسه با شهرک معلم، به‌عنوان یک محله کم‌برخوردار، ناامن و پرخطر تعریف می‌شود. این موضوع به هراس و عدم ارتباط و اعتماد دیگران نسبت به ساکنین محله دامن می‌زند. تأثیر این نگرش‌ها را به‌خوبی می‌توان در رفتار رانندگان تاکسی و آژانس‌های مسافربری در خصوص رفت‌وآمد به این محله مشاهده کرد. «چند وقت پیش که برای خرید به بازار مسکن رفته بودم، موقع برگشت به یک تاکسی گفتم: دربست آناهیتا. راننده تاکسی گفت که تا سر مجتمع میلاد بیشتر نمیداد و وارد آناهیتا نخواهد شد» (آرزو، ۳۳ ساله، خانه‌دار).

۴. قیمت پایین ملک: به دلیل نداشتن سند مالکیت نسبت به شهرک‌های مجاور، باعث شده که آناهیتا مکان مناسبی برای خانواده‌های کم‌بضاعتی باشد که از محلات دیگر به این شهرک آمده‌اند. در میان ساکنین، افرادی نیز وجود دارند که به دلیل فرار از قانون در این شهرک سکنی گزیده‌اند. بسیاری از نزاع‌های پیش آمده در شهرک، به دلیل درگیری‌های پیش آمده بین ساکنین قدیمی و این افراد بوده است.

در نتیجه‌ی این مسائل، بسیاری از خانواده‌های قدیمی که تمکن مالی داشتند، به دیگر محلات سطح شهر مانند الهیه، شهرک معلم و... نقل مکان کردند.

عمل فضایی

عمل فضایی افراد متناسب با موقعیت و امکاناتی است که در آن قرار می‌گیرد. همان‌طور که لوفور اشاره می‌کند این اعمال به‌صورت فردی و گروهی انجام می‌شود. اعمال فضایی با تجربه زیسته و اعمال روزمره افراد در ارتباط است و تنها حاصل اندیشه شهرسازان و تکنوکرات‌ها نیست. با توجه به اینکه شهرک آناهیتا محله‌ای کم‌برخوردار است، به اجبار عمل فضایی ساکنان بیرون از محله صورت می‌گیرد.

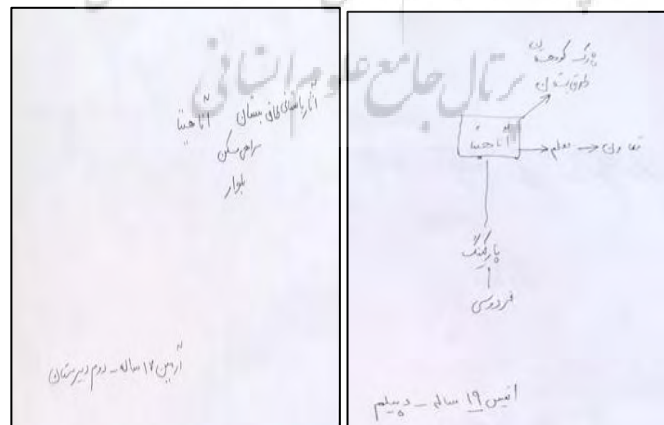
تا دهه هفتاد ارتباط با داخل شهر تنها از مسیر جاده‌ی سنندج بود. به واسطه نزدیکی به شهرک معلم، رفت‌وآمد از طریق مسیرهای این شهرک به شهرک تعاون و در نهایت به داخل شهر برای ساکنان گسترش پیدا کرد. همچنین جاده و خیابان معلم در سمت مجتمع میلاد، دسترسی اهالی به دانشگاه، بیمارستان امام رضا، باغ‌پریشم و بازار مسکن را راحت‌تر کرده است. شهرک آناهیتا از طریق این راه‌ها به بدنه شهر وصل شد. بدین ترتیب، بیشترین رفت و آمد ساکنان با فضاهای موجود در شهرک معلم است.

فضاهای آموزشی: مردم شهرک برای مطالعه و امانت گرفتن کتاب به کتابخانه‌ی امام علی شهرک معلم در نزدیکی مجتمع میلاد مراجعه می‌کنند و در این کتابخانه عضو می‌شوند. خانواده‌ها برای ادامه تحصیل فرزندان خود در مقطع دبیرستان، نیازمند فضاهای آموزش شهرک معلم هستند. کسانی که به هنرستان علاقه دارند، مجبورند به هنرستان‌های میدان نفت و شهرک‌های هم‌جوار بروند. فضاهای بهداشتی درمانی: با توجه به کافی نبودن امکانات مرکز بهداشت محله و تعطیلی مطب پزشکی، ساکنان به اجبار برای درمان، انجام آزمایش، تهیه داروهای مورد نیاز و کلینیک‌های دندانپزشکی از امکانات شهرک‌های معلم، تعاون و مسکن استفاده می‌کنند. بیشترین مراجعه اهالی به داروخانه شبانه‌روزی میدان حافظ، درمانگاه‌های شبانه‌روزی این میدان، کلینیک دندانپزشکی در شهرک تعاون، مراکز سونوگرافی در مسکن، بیمارستان امام رضا و کلینیک بوستان است. فضاهای تفریحی و ورزشی: اکثر ساکنین محله آناهیتا به پارک و فضاهای سبز شهرک معلم و همچنین پارک شرقی می‌روند و از سالن‌های ورزشی و استخرهای شهرک معلم و تعاون نیز استفاده می‌کنند.

بازار و بازارچه‌های محلی: در محله آناهیتا چندین مغازه خرده‌فروشی، سوپرمارکت، آرایشگاه و پوشاک وجود دارد که جوابگوی نیازهای محله نیست و مردم برای تهیه مایحتاج خود به بازارهای معلم و مسکن مراجعه می‌کنند و روزهای شنبه نیز از بازارچه محلی شهرک معلم (شنبه بازار) خرید می‌کنند. به دلیل نزدیکی و فاصله کم شهرک معلم با آناهیتا، اغلب این فعالیت‌ها به‌صورت پیاده انجام می‌گیرد.

جدای از این اعمال، ساکنین در درون فضای بسته شهرک نیز رفتارهای خاصی را انجام می‌دهند؛ به‌عنوان مثال کوچه‌نشینی زنان و بازی کودکان در کوچه‌ها از جمله آن‌هاست. کوچه‌ها در تسخیر زنان و کودکان است. مردان و بیشتر افراد سالمند با جمع شدن در پیاده‌روها و مکان‌هایی مانند میدان شیرو، اوقات خود را با بازی‌های دسته جمعی نظیر ورق بازی، دومینو و دوزان پر می‌کنند. افراد علاقه‌مند به طبیعت نیز برای کوهنوردی و پیاده‌روی از کوه فرخ‌شاد استفاده می‌کنند. برای فهم تصور مردم از محله و مکان‌هایی که حضور پیدا می‌کنند نقشه‌های ذهنی کمک شایانی کردند.

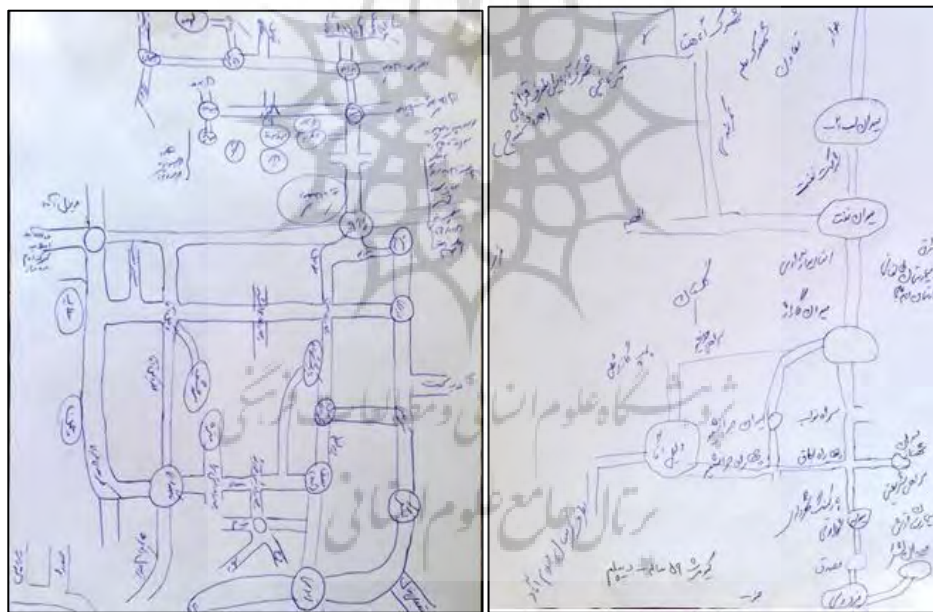
داده‌ها حاکی از آن هستند که جوانان زیر ۲۰ سال تصور کمینه‌ای از شهر کرمانشاه دارند. بر اساس نقشه شماره ۴ تصور فرد به بخش شمالی شهر محدود است. دانش وی از مکان در این اندازه است که دو محله مجاور آناهیتا را می‌شناسد. آشنا نبودن وی با مکان‌های گوناگون در این محلات نیز بیانگر آن است که شهر جذاییتی برای این رده‌های سنی ندارد.



نقشه ۴: نقشه ذهنی نوجوانان از محله آناهیتا و شهر کرمانشاه

مکان‌ها و فضاهای تفریحی، فرهنگی (مانند آثار تاریخی و باستانی)، مراکز درمانی، بازار و خیابان‌ها توسط این افراد در نظر گرفته نشده است که از عدم ارتباط و آشنایی با این مکان‌ها و فضاها خبر می‌دهد. در نقشه‌های ذهنی این رده سنی، فضاهای عمومی، تفریحی یا فرهنگی مانند کتابخانه‌ها، پارک‌های داخل شهر و حتی در شهرک‌های هم‌جوار نیز دیده نمی‌شود. کرمانشاه شهر بزرگی است و مکان‌های تاریخی و فضاهای مصرف زیادی دارد. گویا نوجوانان آناهیتا حق تصرف چنین فضاهایی را ندارند. سکونت در آناهیتا برای این رده سنی ناآشنایی با شهر را به همراه دارد. آنان آناهیتا را مرکز شهر می‌دانند در صورتیکه این محله کم برخوردار در منتهی‌الیه شمال غربی قرار دارد که مرز شمالی و غربی آن لبه بیرونی شهر است.

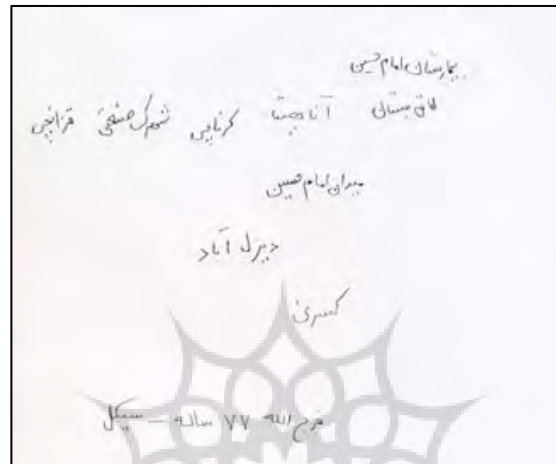
جوانان و میانسالان آشنایی بیشتری با شهر دارند. اینان مسیرها، نقاط دسترسی به شهر، جهات جغرافیایی و رهوارها را بهتر درک می‌کنند. مکان‌های تفریحی، فضاهای عمومی، بناهای تاریخی، دانشگاه، فضاهای آموزشی و مصرفی در ذهن آنان جای ندارد یا کم‌رنگ است. آنان با بخش قدیمی شهر و پارکینگ شهرداری بیشتر آشنایی دارند. بخش قدیمی دارای بازار سنتی و مغازه‌هایی است که اجناس ارزان‌تری دارد و طبیعی است که ساکنان محله کم‌برخوردار آناهیتا بیشتر با این قسمت از شهر ارتباط داشته باشند. محله کسرا و ۲۲ بهمن که مغازه‌های لوکس و برندهای تجاری زیادی دارد در نقشه آنان مغفول است.



نقشه ۵: نقشه ذهنی جوانان و میانسالان از محله آناهیتا و شهر کرمانشاه

نکته دیگری که در این نقشه‌ها دیده می‌شود آشنا نبودن ساکنان آناهیتا با بخش شرقی شهر است. این بخش که محلات زیادی را در برمی‌گیرد غالباً لک زبان هستند و اهالی آناهیتا که کرد محسوب می‌شوند تعامل کمتری با آنان دارند و این مهم به کاهش تماس‌های اجتماعی کمک می‌کند. به طور کلی، این گروه سنی نیز حق تصرف چندانی بر شهر را ندارند.

نقشه‌های ذهنی سالمندان نیز حاکی از شناخت اندک آنان از شهر است. آنان نیز مسیرها، رھوارها، مکان‌ها و فضاهای تفریحی، تاریخی و عمومی را به خوبی نمی‌شناسند. محله‌های صنعتی، کارگری، فقیر نشین و تأسیساتی مانند دیزل‌آباد، کرناچی و شهرک صنعتی در نقشه آنان برجسته است. بخش‌های زیادی از شهر مانند نیمه شرقی، محلات برخوردار در نقشه ذهنی آنان نیست.



نقشه ۶: نقشه ذهنی سالمندان از محله آناهیتا و شهر کرمانشاه

سالمندان شهر را به صورت نقطه‌ای درک می‌کنند گویی در ایستگاه مترو هستند و تصویری از مسیرها ندارند. بنابراین حاشیه‌نشینی نیز در این نقشه‌ها نمایان است و افراد حق تصرف شهر را به طور کامل ندارند. بخشی از این ماجرا به شهر مربوط می‌شود که پذیرای آنان نیست یا امکانی برای جذب آنان ندارد. بخشی دیگر به ساکنان آناهیتا مربوط است که به علت فقر مالی نمی‌توانند از عناصر مختلف شهری و فضاهای گوناگون بهره ببرند.

نتیجه‌گیری

ظهور محله‌های حاشیه‌نشین در نتیجه برنامه اصلاحات ارضی و توجه دولت به عمران شهری به همراه افزایش جمعیت در دهه‌های ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی بود. دولت برای اسکان جمعیت، برنامه شهرک‌سازی را در دستور کار قرار داد. شهرک آناهیتا به همراه ۲۲ بهمن، الهیه و آبادانی و مسکن در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ ساخته شدند. شهرک آناهیتا در ابتدا برای امرای ارتش و بلندپایگان نظامی ساخته شد. برنامه‌ریزان، طراحان و انبوه‌سازان از بانیان ساخت این شهرک بودند و مردم عادی نقشی در شکل‌گیری آن نداشتند. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ سبب شد که به مدت چندین سال وضعیت سکونت در آنجا معلق گردد و همچنان خالی از سکنه بماند. جنگ تحمیلی ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ با حمله به قصر شیرین آغاز شد و جمعیت مرزن‌نشین به ویژه شهرستان قصر شیرین نه تنها آسیب دید بلکه ساکنان آن نیز آواره و راهی کرمانشاه و برخی مناطق دیگر شدند. شهرک آناهیتا یکی از مقصدهای آنان بود. ورود مستمر آوارگان به این محله ادامه پیدا کرد تا این که جای کافی برای اسکان همگان وجود نداشت. ساکنان نیز برای دسترسی به سرپناه شروع به بازتقسیم خانه‌ها کردند و هر ساختمان را بین چند نفر تقسیم شد، تا جایی که محله از حالت اعیان‌نشینی اولیه خارج و به محله‌ای حاشیه‌نشین تبدیل شد. افزون بر این، ساخت و سازهای غیررسمی نیز شروع شد. ابتدا فضاهای خالی میان منازل و سپس

زمین‌های خالی اطراف شهرک برای خانه‌سازی مورد استفاده قرار گرفتند. شرایط جنگی کشور و وضعیت اضطراری امکان دخالت شهرداری را ناممکن ساخت. محله تحت مدیریت بنیاد جنگ‌زدگان قرار داشت و بنیاد نیز علاوه بر کمک‌های گوناگون مانعی برای خانه‌دار شدن آنان ایجاد نکرد. بالاخره بنیاد در سال ۱۳۷۳ مدیریت محله را به شهرداری واگذار کرد. در طول این مدت بعد دوم تولید فضای لوفور با همان فضای زیسته در تکوین محله نقش داشت. شهرسازان، طراحان و انبوه‌سازان به مدت بیش از یک دهه دخالتی در تحولات محله و رشد آن نداشتند.

پس از واگذاری مدیریت محله به شهرداری حریم شهر حفظ شد و اجازه ندادند که افراد برای ساخت‌وساز از محدوده شهر خارج شوند. افزون بر این، شهرداری نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها و پلاک‌گذاری منازل، صدور مجوز انشعاب‌های گاز، برق و تلفن، سیستم دفع زباله را شروع و به پایان رساند. نامشخص بودن وضعیت مالکیت اجازه نظارت شهرداری بر ساختن تعداد طبقات واحد مسکونی را نداد و برخی خدمات عمومی مانند فضای سبز، فضای آموزشی و بهداشتی نیز به تناسب جمعیت انجام نشد. اما مردم همچنان به شیوه‌های گوناگون از جمله ساخت و سازهای خودسرانه در درون واحد مسکونی ادامه دادند.

اینکه میزان و تأثیر ابعاد سه‌گانه لوفور در تولید فضا چگونه است نیازمند بررسی تجربی است. به لحاظ نظری این سه بعد وضعیت برابری دارند و هر کدام به سهم خود در شکل‌گیری فضا نقش دارند. این مطالعه نشان داد که پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شکل‌گیری شهرک آناهیتا غالباً تحت تأثیر بازنمایی فضا یا همان طراحان، شهرسازان و انبوه‌سازان است و مردم نقش چندانی ندارند. با شروع جنگ تحمیلی تکوین محله به مدت ده سال به وسیله فضای بازنمایی یا همان مردم در زندگی روزمره انجام می‌گیرد و بعد اول در برهه زمانی غایب است. پس از جنگ هر سه بعد در تکوین محله آناهیتا نقش دارند اما همچنان فضای بازنمایی و عمل فضایی برجسته‌تر هستند.

منابع

- اباذری، یوسف و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱). «فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در عهد قاجار»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۳۷-۹.
- الدن، استوارت (۱۳۹۵). «سیاست فضا وجود دارد، زیرا فضا سیاسی است»، درآمدی بر تولید فضای هانری له فور، ترجمه‌ی آیدین ترکمه، تهران، تیسرا.
- آمایش سرزمین (۱۳۹۶). نظام شهری، سازمان برنامه و بودجه، استان کرمانشاه.
- ژلنیتس، آندری (۱۳۹۵). «تولید فضای هانری لوفور»، درآمدی بر تولید فضای لوفور، گردآوری و ترجمه: آیدین ترکمه، چاپ دوم، تهران: تیسرا.
- فرمیپهنی فراهانی، بهزاد و صرافی، مظفر (۱۴۰۰). «نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا (نقد سه‌گانه‌ی فضایی لوفور از منظر مکتب ویگو تسکیایی شناخت)»، نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۱-۵.
- فیروزنیا، قدیر و همکاران (۱۳۹۵). «تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونت‌گاه‌های روستایی مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین»، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۶). «سازمان‌دهی فضای شهر کرمانشاه در دوره‌ی پهلوی اول»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۷۱-۵۱.
- قلی‌پور، سیاوش و زارع، معصومه (۱۳۹۲). «برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه (۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵)»، مطالعات جامعه‌شناختی (علمی-پژوهشی)، دوره ۱۹۵، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۵۸-۲۳۱.

- قلی‌پور، سیاوش و همکاران (۱۳۹۳). «بازگشت طردشدگان، ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۷-۶۳.
- قلی‌پور، سیاوش، احمدی، وکیل؛ کریمی، جلیل (۱۳۹۸). «تحلیل اقتصادی_سیاسی نظام شبکه شهری استان کرمانشاه (۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵)»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره اول، شماره اول، صص ۵۴-۲۷.
- کریمی، جلیل و همکاران (۱۳۹۶). «تهیدستان شهری (نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینی در کرمانشاه)»، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۶-۱.
- کلانتری، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۶). «از مطالبه‌ی حق به شهر تا شکل‌گیری انقلاب شهری (شهر تهران، سال ۱۳۵۷)»، فصلنامه‌ی مطالبات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم، شماره بیست و سوم، صص ۷۷-۵۳.
- گاندینر، مارک (۱۳۹۴) «مارکس زمان ما: هانری لوفور و تولید فضا، کتاب درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور»، گردآوری و ترجمه: آیدین ترکمه، چاپ دوم، تهران: تیسرا.
- لوفور، هانری (۱۳۹۱). تولیدفضا، گردآوری و ترجمه: آیدین ترکمه، تهران: تیسرا.
- مریفلد، اندی (۱۴۰۰). آنری لوفور، مقدمه‌ای انتقادی، ترجمه‌ی امین علی محمدی، تهران: همشهری.
- مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۲). گزارش امکان‌سنجی طرح توانمندسازی اسکان غیر رسمی کرمانشاه، وزارت مسکن و شهرسازی.

- Bogden, R and Taylor, S. (1977). Introduction to Qualitative Research Method, New York: Wiley.
- Brewer, J (2005). Ethnography, Open Univwesity Press.
- Clark, J and Clark , B (1969). Kermanshah: A provincial city in Iran, Durham University.
- Fetterman, D (2010), Ethnography, London: Sage.
- Hammersly, M. and Atkinson, P. (2007). Ethnography: Principle in Practice, London: Tavistok.
- Lefebvre, H (1996), Writings on Cities, Oxford, Blackwell.